گزارش

روایت رسمی ایران از تجاوز اسرائیل در اجلاس اسلامی؛ همراه با رایزنی‌های چندجانبه تا نشست محرمانه

دیپلماسی در میدان استانبول

وحیده کریمی: در روزهایی که تحولات میدانی و فشارهای سیاسی به صورت هم‌زمان ایران را در معرض یکی از پیچیده‌ترین بحران‌های چند سال اخیر قرار داده، مسئولیت دستگاه دیپلماسی کشور در بازتاب دقیق، مؤثر و به‌موقع مواضع رسمی، اهمیتی مضاعف یافته است. در چنین شرایطی، حضور وزیر امور خارجه ایران در اجلاس وزرای خارجه کشورهای اسلامی، نه صرفا یک حضور تشریفاتی، بلکه بخشی از راهبرد کلان سیاست خارجی برای انتقال ارزیابی‌های رسمی جمهوری اسلامی ایران به فضای چندجانبه منطقه‌ای و بازنمایی آن در محیط بین‌الملل تلقی می‌شود. سیدعباس عراقچی، در مقام عالی‌ترین مقام دیپلماتیک کشور در این اجلاس، کوشیده است با استفاده از سازوکارهای موجود در سازمان همکاری اسلامی، حضور در جمع خبرنگاران بین‌المللی و انجام مصاحبه‌های اختصاصی با رسانه‌های خارجی، تصویری مستند، متوازن و حقوق‌محور از وضعیت جاری ایران ارائه دهد؛ تصویری که متکی بر دفاع مشروع، تأکید بر ثبات منطقه‌ای و نقد دوگانگی‌های موجود در مواجهه با قواعد بین‌المللی است.

نشستی در سایه تحولات امنیتی

پنجاه‌ویکمین اجلاس وزرای امور خارجه سازمان همکاری اسلامی که به میزبانی ترکیه در استانبول برگزار شد، در فضایی متفاوت از دوره‌های پیشین آغاز به کار کرد. حمله اخیر رژیم صهیونیستی به خاک ایران، محور غالب رایزنی‌های حاشیه‌ای و موضوع اصلی ابتکار ایران برای تشکیل نشستی ویژه در چارچوب اجلاس بود؛ نشستی که بنا بر اعلام منابع رسمی دولت ترکیه، به درخواست ایران و به صورت غیرعلنی با مشارکت تمامی اعضا برگزار شد. این جلسه با حضور همه اعضا و بدون حضور رسانه‌ها برگزار شد و هدف آن، بررسی وضعیت امنیت منطقه و تقویت همگرایی اسلامی در مواجهه با تهدیدات مشترک عنوان شده است. این اقدام در چارچوب دیپلماسی چندجانبه قابل ارزیابی است؛ تلاشی برای بهره‌گیری از ظرفیت سازمان‌های منطقه‌ای به منظور ارائه قرائتی مستند و منسجم از یک رویداد نظامی که می‌تواند بازتاب قابل توجهی در معادلات سیاسی منطقه داشته باشد. عراقچی طی سخنانی در این مراسم با ترسیم جنایات رژیم صهیونیستی در تجاوز به ایران به بیان مواضع رسمی کشورمان پرداخت.

رایزنی‌های دوجانبه در حاشیه اجلاس

در کنار حضور در نشست اصلی، وزیر امور خارجه کشورمان در حاشیه اجلاس با شماری از همتایان خود دیدار و گفت‌وگو کرد. دیدارهای جداگانه با وزرای خارجه عراق، عربستان سعودی، قطر، اردن و ترکیه، بخشی از مسیر گفت‌وگوی سیاسی ایران با کشورهای کلیدی منطقه در مورد تبعات حمله اخیر به شمار می‌رود. در این دیدارها وزیر امور خارجه عراق بر ضرورت توقف فوری تجاوزات رژیم صهیونیستی به کشورمان و تشدید تلاش‌های دیپلماتیک از طریق کانال‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای آرام‌کردن اوضاع تأکید کرد. همچنین معاون نخست‌وزیر و وزیر خارجه قطر نیز در دیدار عراقچی مجددا تجاوز رژیم صهیونیستی علیه حاکمیت ملی و تمامیت سرزمینی ایران را به‌شدت محکوم کرد و مراتب تسلیت و تأثر عمیق امیر و دولت قطر را به مناسبت شهادت جمعی از شخصیت‌های عالی‌رتبه نظامی و دانشمندان و استادان دانشگاه و مردم بی‌گناه کشورمان ابراز داشت. وزیر امور خارجه کشورمان هم با تقدیر از مواضع امیر و نخست‌وزیر قطر در محکومیت تجاوز رژیم صهیونیستی علیه ایران، تأکید کرد نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به دفاع مشروع و صیانت قاطع از حاکمیت و امنیت ملی و تمامیت سرزمینی ایران تا توقف تجاوز رژیم صهیونیستی ادامه خواهد داد. عراقچی همچنین با رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، دیداری اختصاصی داشت. طبق اعلام منابع دیپلماتیک، محور اصلی این دیدار، تحولات اخیر و راهکارهای منطقه‌ای برای حفظ ثبات و جلوگیری از گسترش ناامنی بوده است. این مجموعه رایزنی‌ها، منعکس‌کننده تلاش فعال ایران برای اجتناب از انزوای دیپلماتیک در شرایط پرتنش فعلی است. از دیدارهای دوجانبه مهم در استانبول، دیدار عراقچی با رئیس‌جمهور ترکیه بود که وزیر امور خارجه کشورمان با تشریح حملات رژیم صهیونیستی به تأسیسات عمومی و زیربنایی، تأسیسات هسته‌ای، منازل مسکونی، بیمارستان‌ها و مراکز درمانی و سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران، همچنین شهادت جمعی از شخصیت‌های عالی‌رتبه نظامی، نخبگان و استادان دانشگاه و مردم بی‌گناه کشورمان به‌ویژه زنان و کودکان بر اثر حمله‌های جنایتکارانه متجاوزان صهیونیست تأکید کرد: ماهیت جنگ‌افروز و توسعه‌طلب رژیم صهیونیستی منشأ ناامنی در منطقه است و جامعه بین‌المللی باید یک‌صدا با محکوم‌کردن صریح تجاوز این رژیم به ایران، شورای امنیت سازمان ملل متحد را متوجه مسئولیت خطیر خود در توقف تجاوز و پاسخ‌گوکردن متجاوز بنماید و نقش کشورهای مؤثر و بزرگ اسلامی در اعمال فشار بر رژیم صهیونیستی و حامیان آن در این راستا حائز اهمیت است. رئیس‌جمهور ترکیه نیز در این دیدار با ابلاغ سلام‌های گرم خود به مقام معظم رهبری و رئیس‌جمهور محترم کشورمان، ابراز اطمینان کرد دولت و مردم ایران با انسجام و همستگی ملی جنگ و تجاوز رژیم صهیونیستی را پشت سر خواهد گذاشت. اردوغان با اشاره به تماس‌های متعدد این کشور برای توقف درگیری‌ها و بازگشت به مسیر دیپلماسی، هشدار داد که منطقه تاب یک جنگ جدید را ندارد و توقف فوری اسرائیل ضروری است. او همچنین گفت حل‌وفصل مناقشه هسته‌ای ایران تنها از مسیر مذاکره ممکن است و ترکیه آماده است هر نقشی، از جمله نقش تسهیل‌گر را ایفا کند.

بیان موضع رسمی؛ از تریبون اجلاس تا رسانه‌های بین‌المللی

البته عراقچی در بدو ورود به استانبول تأکید کرد که هدف اصلی حضور در اجلاس، علاوه بر مشارکت در دستورکار رسمی، استفاده از فرصت فراهم‌شده برای تشریح مواضع ایران درباره حمله نظامی اخیر است. او همچنین ابراز امیدواری کرد که نتیجه این حضور، صدور بیانیه‌ای متوازن و صریح از سوی سازمان همکاری اسلامی در محکومیت تجاوز انجام شده باشد.

وزیر امور خارجه ایران در گفت‌وگویی با خبرگزاری آسوشیتدپرس نیز بر مشروعیت اقدامات دفاعی ایران تأکید کرد و نسبت به پیامدهای هرگونه دخالت نظامی آمریکا هشدار داد. او تصریح کرد که ایران بر مبنای قواعد شناخته‌شده بین‌المللی، از حق دفاع مشروع برخوردار است و افزود: «همبستگی داخلی و انسجام نیروهای دفاعی کشور در وضعیت کنونی در سطح مطلوبی قرار دارد».

همچنین در حاشیه این نشست وزیر امور خارجه و فرمانده ارتش پاکستان در دیدار با رئیس‌جمهوری ترکیه نیز ضمن محکومیت شدید تداوم حملات تروریستی رژیم صهیونیستی از حاکمیت و تمامیت ارضی ایران به‌ویژه حق ایران برای دفاع از خود حمایت کردند.

دیپلماسی در تراز بحران

اجلاس استانبول برای ایران فرصتی فراهم کرد تا از مسیرهای دیپلماتیک، در میانه فضای متراکم نظامی، مواضع رسمی خود را در قالبی حقوق‌محور و مبتنی بر قواعد تعامل منطقه‌ای بیان کند. تلاش برای استفاده از ظرفیت‌های سازمان همکاری اسلامی، رایزنی با کشورهای کلیدی و طرح مسئله در قالب نشست اضطراری، نشان می‌دهد که دیپلماسی ایران در عین قرار داشتن در شرایط اضطرار امنیتی، همچنان به مسیر گفت‌وگو، تبیین مواضع و بهره‌گیری از ابزارهای چندجانبه پایبند است.

نگاهی به تبعات فاجعه‌بار ورود نظامی آمریکا به جنگ با ایران

باتلاقی برای ترامپ

مالک مصدق: هشدارهای اخیر لئون پانه‌تا، وزیر دفاع سابق آمریکا و مدیر پیشین سیا، و گزارش تازه روزنامه گاردین، زنگ خطر را برای دولت دونالد ترامپ به صدا درآورده‌اند که «هرگونه اقدام نظامی علیه ایران، آمریکا را به ورطه جنگی منطقه‌ای و فاجعه‌بار خواهد کشاند». ورود نظامی آمریکا به جنگ با ایران، همان‌طور که گاردین تأکید کرده، نقض صریح قوانین بین‌المللی، از جمله بند ۵۶ پروتکل الحاقی کنوانسیون ژنو خواهد بود که حملات به تأسیسات هسته‌ای را به دلیل خطر تشعشعات هسته‌ای ممنوع می‌کند. این اقدام، آمریکا را که زمانی مدعی رهبری نظم جهانی بود، به یکی از اصلی‌ترین متخلفان آن تبدیل خواهد کرد. پانه‌تا نیز با اشاره به تجربه جنگ عراق در ۲۰۰۳، که بر اساس اطلاعات جعلی درباره تسلیحات کشتار جمعی آغاز شد، هشدار داده تکرار این اشتباه، اعتبار جهانی آمریکا را بیش از پیش مخدوش خواهد کرد.

ادعاهای نتانیاهو مبنی بر نزدیک‌بودن ایران به سلاح هسته‌ای، با گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و جامعه اطلاعاتی آمریکا در تضاد است. رافائل گروسی، مدیرکل آژانس، در ۱۷ ژوئن ۲۰۲۵ تأکید کرد هیچ مدرکی دال بر برنامه تسلیحاتی ایران وجود ندارد. همچنین، تولسی گابارد، مدیر اطلاعات ملی آمریکا، در کنگره شهادت داد ایران در حال ساخت سلاح هسته‌ای نیست. این تناقضات نشان می‌دهد که توجیهات اسرائیل و حامیانش در واشنگتن، مشابه فریبکاری‌های پیش از جنگ عراق، فاقد اعتبار است.

ورود آمریکا به این جنگ، نه‌تنها حمایت متحدان سنتی‌اش مانند کشورهای اروپایی را به همراه نخواهد داشت، بلکه به انزوای دیپلماتیک واشنگتن منجر خواهد شد. اظهارات امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، در اجلاس گروه هفت، مبنی بر لزوم آتش‌بس و مذاکره با ایران، نشان‌دهنده شکاف میان اروپا و آمریکاست. ایران با تقویت روابط با چین، روسیه و کشورهای غیرمتعهد، از حمایت دیپلماتیک قابل توجهی برخوردار است که می‌تواند تلاش‌های آمریکا برای مشروعیت‌بخشی به اقدامات نظامی را در شورای امنیت سازمان ملل خنثی کند. این انزوا، جایگاه آمریکا به عنوان یک قدرت جهانی را تضعیف خواهد کرد و الگویی خطرناک برای سایر قدرت‌ها، مانند چین در مواجهه با تایوان، ایجاد خواهد کرد.

هزینه‌های نظامی و اقتصادی؛ باتلاقی جدید برای آمریکا

پانه‌تا به‌درستی هشدار داده که جنگ با ایران، برخلاف تصور برخی در کاخ سفید، عملیاتی محدود نخواهد بود. ایران، با توان نظامی پیشرفته، شامل موشک‌های بالستیک نقطه‌زن، پهپادهای تهاجمی و شبکه گسترده نیروهای مقاومت در منطقه، قادر به واردکردن ضربات به منافع آمریکاست. عملیات «وعده صادق ۳» نشان داد ایران می‌تواند با دقت و قاطعیت به تجاوزات پاسخ دهد. حملات موشکی ایران به پایگاه عین‌الاسد در سال ۲۰۲۰ نیز توانایی تهران برای هدف قرار دادن پایگاه‌های آمریکایی در عراق، بحرین و خلیج فارس را به اثبات رساند.

جنگ با ایران، هزینه‌های نظامی و اقتصادی هنگفتی برای آمریکا به دنبال خواهد داشت. جنگ عراق، با هزینه‌ای بالغ بر دو تریلیون دلار و هزاران کشته، نمونه‌ای از این باتلاق است. ایران، با جمعیتی دو برابر عراق، وسعت جغرافیایی بیشتر و زیرساخت‌های نظامی پیچیده‌تر، چالشی به مراتب بزرگ‌تر خواهد بود. گاردین هشدار داده ایران می‌تواند تنگه هرمز، گذرگاه ۲۰ درصد نفت جهان، را مختل کند که به افزایش قیمت نفت، تورم جهانی و تضعیف دلار آمریکا منجر خواهد شد. حتی جنبش انصارالله یمن، با توان نظامی کمتر، توانست کشتیرانی در دریای سرخ را مختل کند و ایران با توانی به مراتب بیشتر، می‌تواند اقتصاد جهانی را به بحران بکشاند. اقتصاد آمریکا که در حال حاضر با تورم و بدهی‌های کلان مواجه است، تاب تحمل این فشارها را ندارد. در مقابل، ایران با اقتصاد مقاومتی و تجربه دهه‌ها تحریم، آمادگی بیشتری برای مدیریت بحران‌های اقتصادی دارد. اتحاد داخلی مردم ایران در برابر تجاوزات خارجی که در عملیات «وعده صادق ۳» نمود یافت، نشان‌دهنده انسجام ملی است که هرگونه محاسبه آمریکا برای تضعیف ایران را ناکام خواهد گذاشت.

پیامدهای داخلی و منطقه‌ای: بحران سیاسی و تقویت محور مقاومت

تصمیم ترامپ برای ورود به جنگ با ایران، با مقاومت گسترده در داخل آمریکا مواجه خواهد شد. پانه‌تا به تجربه جنگ عراق اشاره کرده که به اعتراضات داخلی و کاهش محبوبیت دولت بوش منجر شد. نظرسنجی‌های اخیر نشان می‌دهد اکثریت مردم آمریکا، پس از تجربه جنگ‌های عراق و افغانستان، مخالف درگیری جدید در خاورمیانه هستند. سناتورهایی مانند آدام شیف و رند پال نیز هشدار داده‌اند جنگ با ایران می‌تواند تبعات فاجعه‌بار برای امنیت ملی آمریکا داشته باشد. این مخالفت‌ها، با توجه به شکاف‌های سیاسی و اجتماعی عمیق در آمریکا، می‌تواند به بحران سیاسی برای دولت ترامپ تبدیل شود. در منطقه، جنگ با ایران به تغییر معنادار معادلات نظامی و امنیتی و نظم موجود در خاورمیانه منجر خواهد شد. تداوم حملات اسرائیل، دامنه جنگ را گسترش خواهد داد و واشنگتن را درگیر یک درگیری فرسایشی خواهد کرد. ضمنا تجربه تاریخی نشان داده که تجاوزات خارجی، انسجام ملی و منطقه‌ای ایران را افزایش می‌دهد. این امر، برخلاف هدف ادعایی آمریکا برای تضعیف ایران، به تقویت جایگاه تهران در منطقه منجر خواهد شد و رژیم صهیونیستی را، که فاقد عمق استراتژیک است، در موقعیت شکننده‌تری قرار خواهد داد.

ایران؛ باتلاق ماجراجویی‌های ترامپ

هشدارهای هم‌زمان پانه‌تا و گاردین نشان‌دهنده عمق خطری است که تصمیم‌گیری عجولانه ترامپ برای ورود به جنگ با ایران برای آمریکا به همراه دارد. ایران، با تکیه بر توان نظامی، انسجام ملی و دیپلماسی فعال، نه‌تنها قادر به دفاع از خود است، بلکه می‌تواند هزینه‌های گزافی به متجاوزان تحمیل کند. تجربه جنگ عراق که پانه‌تا آن را «اشتباه بزرگ» خواند، باید درس عبرتی برای ترامپ باشد. جهان امروز به دیپلماسی و گفت‌وگو نیاز دارد. ایران به عنوان کشوری صلح‌طلب که بارها بر ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای خود تأکید کرده، آماده مذاکره از موضع برابر است. اما هرگونه اقدام نظامی علیه ایران، نه‌تنها به شکست آمریکا منجر خواهد شد، بلکه جایگاه این کشور را به عنوان یک قدرت جهانی تضعیف خواهد کرد. حمایت از ایران در برابر تجاوزات، دفاع از عدالت و صلح جهانی است. جامعه بین‌المللی باید مانع تکرار اشتباهات گذشته توسط دولت ترامپ شود و از دیپلماسی برای حل بحران حمایت کند.

بررسی معادلات ایران و اروپا در میانه جنگ تحمیلی رژیم صهیونیستی در گفت‌وگویی با ابوالقاسم دلفی:

جهان باید صدای ایران را بشنود

مهدی بازرگان: نشست ژنو میان ایران و تروئیکای اروپایی، در میانه جنگ تحمیلی رژیم صهیونیستی، نشان‌دهنده تلاش ایران برای حفظ توازن میان دیپلماسی و میدان است. این مذاکرات، که به درخواست اروپا برگزار شد، نه از موضع ضعف، بلکه با پشتوانه پاسخ‌های نظامی قاطع ایران به تجاوزات اسرائیل شکل گرفت. ایران با تکیه بر بازدارندگی فعال، ازجمله موشک‌های پیشرفته و حملات نقطه‌زن به پایگاه‌های صهیونیستی، غرب را به بازنگری در رویکرد خود واداشته است. توقف نشست از سوی عراقچی برای مشورت، بیانگر جدیت ایران در حفظ استقلال دیپلماتیک و رد هرگونه فشار است. اروپا، که پیش‌تر با قطع‌نامه‌های آژانس بهانه‌ساز تجاوزات صهیونیستی شد، اکنون به دلیل تغییر موازنه قدرت و نگرانی از گسترش بحران، به گفت‌وگو روی آورده است. این مذاکرات، فرصتی برای ایران است تا با تقویت روابط با برلین، پاریس و لندن، ضمن حفظ روابط دوجانبه و چندجانبه با اتحادیه اروپا، صدای مظلومیت خود را به جهان برساند. در شرایطی که آمریکا و اسرائیل با نقض قوانین بین‌المللی، دیپلماسی را تضعیف کرده‌اند، ایران با هوشمندی از دیپلماسی برای تثبیت منافع ملی و مهار بحران بهره می‌گیرد، بدون آنکه از حق دفاع مشروع خود عقب‌نشینی کند. برای بررسی ظرفیت دیپلماتیک اروپایی‌ها در میانه جنگ تحمیلی رژیم صهیونیستی به گفت‌وگویی با ابوالقاسم دلفی، سفیر اسبق ایران در فرانسه، صربستان، بلژیک، کلمبیا و شیلی نشسته‌ایم که در ادامه مشروح آن را از نظر می‌گذرانید.

●●●

جناب دلفی، در میانه تجاوزات و حملات رژیم صهیونیستی به خاک ایران، شاهد گفت‌وگوی تروئیکای اروپایی و تهران بودیم. اما سؤال اینجاست که آیا قاره سبز وزنی برای نقش‌آفرینی در این معادلات دارد؟

ابتدا به ساکن جا دارد از همین تریبون روزنامه «شرق»، حمله و تجاوز رژیم صهیونیستی به ایران را به‌شدت محکوم کنم و در پاسخ به سؤال شما، معتقدم در شرایطی که این جنگ به کشور ما تحمیل شده است و ایران در وضعیت مساعدی قرار ندارد، هرگونه تلاشی با هر بازیگری برای استفاده از ابزار مذاکره و چانه‌زنی مفید و سودمند خواهد بود... .

اما برخی معتقدند این مذاکرات با اروپا دیر است. شما چنین باروی دارید؟

بله، اگرچه این مذاکرات قدری دیر و در شرایط جنگی امروز آغاز شد، ولی باز هم جای دفاع دارد.

به چه دلیل؟

چون این مذاکراتی که امروز با قاره سبز داریم، از یک سو با تروئیکای اروپایی و از سوی دیگر با نماینده سیاست خارجی اتحادیه اروپا، ظرفیت دیپلماتیک بسیار بالایی است.

به نظر شما این مذاکرات به سرانجام خواهد رسید؟

این مسئله در گرو عوامل و پارامترهای بسیار زیادی قرار دارد و مهم‌ترین آن این است که اروپا تا چه حد جدیت لازم برای ادامه این مذاکرات خواهد داشت. فعلا دور اول این مذاکرات برگزار شد و قرار است که دور بعدی آن هم برگزار شود. اتفاقا زمانی که مذاکرات هسته‌ای ما با آمریکایی‌ها در دولت دوم ترامپ شروع شد، عملا کاخ سفید تلاش کرد که روسیه، چین و اروپایی را از مذاکرات کنار بگذارد. به‌همین‌دلیل اکنون اروپایی‌ها تمایل زیادی به نقش‌آفرینی در این معادلات جنگ تحمیلی به ایران دارند.

اتفاقا پیرو این نکته، آیا واشنگتن و به طریق اولی ترامپ و همچنین نتانیاهو به میانجی‌گری و تلاش‌های دیپلماتیک قاره سبز وقعی می‌نهند؟

اتفاقا من معتقدم اروپایی‌ها با یک مأموریت و دستور کار از سوی آمریکا، مذاکرات با ایران را شروع کردند و به همین دلیل است که من دوباره تأکید دارم که باید از این ظرفیت یعنی ظرفیت گفت‌وگو با اروپا استفاده کرد. حتی اگر مسئله دستور کار و مأموریت آمریکا به اروپا هم نباشد، همان‌طور که گفتم و دوباره تکرار می‌کنم، استفاده از ظرفیت و اهرم مذاکره و دیپلماسی در هر شرایطی به‌ویژه در شرایط امروز به‌شدت لازم و ضروری است. باید این محور «تعادل» یعنی اروپایی‌ها را در شرایط کنونی به سمت خود جذب کنیم. من بارها در گفت‌وگو با «شرق» در یک سال گذشته که دولت چهاردهم آغاز به کار کرد، آسیب‌شناسی مختلفی درباره عملکرد دستگاه سیاست خارجی در رابطه با اروپا داشتم؛ اکنون دیگر جای آن گله‌گزاری‌ها نیست. باید نگاه رو به آینده و پایان‌دادن به تجاوزات و جنگ تحمیلی رژیم صهیونیستی به ایران باشد. به‌همین‌دلیل من معتقدم ما باید جبهه روابط با اروپا را تقویت کنیم. ضمن اینکه در کنار پیگیری روابط با تروئیکای اروپا و اتحادیه اروپا باید روابط دوجانبه با لندن، پاریس و برلین هم تقویت شود.

جناب دلفی، حمایت اروپا از این حمله فضایی برای تقویت روابط با آلمان، فرانسه و انگلیس باقی می‌گذارد؟ ضمنا یک گزاره تحلیلی این است که اساسا اروپایی‌ها با بازیگری مخرب خود در کنار گروسی و آژانس، ذیل صدور قطع‌نامه باعث آغاز این جنگ تحمیلی و تجاوز رژیم صهیونیستی شدند.

نکته شما درست است و من منکر آن نمی‌شوم. اما بازیگری مخرب اروپا و آژانس، تنها عامل تجاوز و جنگ تحمیلی رژیم صهیونیست نیست؛ بلکه عوامل و پارامترهای متعددی به سهم و وزن خود دراین‌بین نقش‌آفرینی داشتند، بنابراین اگر بخواهیم به گذشته رجوع کنیم که چه کسی باعث آغاز این جنگ تحمیلی شد، چاره کار نیست. ما در شرایط کنونی و وضعیت بغرنج باید نگاه رو به آینده داشته باشیم. به جای اینکه بگوییم اروپایی‌ها چه نقش مخربی در صدور قطع‌نامه و بهانه‌تراشی برای تجاوز رژیم صهیونیستی داشتند، باید در نظر بگیریم که در شرایط جنگی فعلی، اروپایی‌ها تمایل خود را برای گفت‌وگو با ایران نشان داده‌اند. این یک ظرفیت و پتانسیل بسیار خوب است. چرا باید آن را از دست بدهیم! اصلا کشور در شرایطی قرار ندارد که بتواند قهر کند و دنبال انزوا باشد.

با وجود تحلیل شما، رویکرد اروپا در این جنگ تحمیلی می‌تواند محل بحث باشد؟

واقع امر آن است که در فضای جاری دستگاه سیاست خارجی باید در فعال‌ترین و درعین‌حال منعطف‌ترین و هوشمندانه‌ترین حالت خود باشد. نباید یک دقیقه را از دست داد. ما نباید فرصت گفت‌وگو با هیچ کسی را از دست بدهیم و نباید میز مذاکره با هیچ طرفی را ترک کنیم. ما با وجود آنکه رژیم صهیونیستی در یک تجاوز آشکار و علنی به خاک ایران، تمام خطوط قرمز حقوقی را رد کرده است و با وجود شکایت رسمی جمهوری اسلامی ایران و برگزاری نشست شورای حکام و شورای امنیت، تاکنون شاهد محکومیت این رژیم و جنایات و حملات آنها نبودیم؛ پس باید این وضعیت به طریق دیگری جبران شود. ما باید تحرکات دیپلماتیک را تقویت کنیم. الان جای هیچ‌گونه کم‌کاری و انفعال نیست. متأسفانه ما ابزار و تمهیدات لازم برای رساندن سخن خود در مجامع بین‌المللی را از دست دادیم. پس باید این قدرت دوباره بازتعریف و احیا شود. از طرف دیگر همه رابطه تاریخی کشورهای اروپایی و مشخصا آلمان، فرانسه و انگلستان با رژیم صهیونیستی و مناسبات عمیق آنها را می‌دانند. پس ما نباید انتظار داشته باشیم که این کشورهای اروپایی جانب ما را بگیرند و حمله رژیم صهیونیستی را محکوم کنند. درعین‌حال ما می‌توانیم در همین شرایط، روابط چندجانبه را در قالب اتحادیه اروپا و تروئیکای اروپایی تقویت کنیم و همچنین باید روابط دوجانبه با کشورهای اروپایی را هم از سر بگیریم. این یک ظرفیت است. اینکه چه کشوری، چه نقشی در تجاوز صهیونیست‌ها داشتند یا اکنون چه موضعی گرفته‌اند، برای ما نمی‌تواند تعیین‌کننده مذاکره‌کردن یا مذاکره‌نکردن باشد؛ باید از اهرم سیاست خارجی و دیپلماسی با هر بازیگری نهایت استفاده را برد؛ چه کشورهای منطقه‌ای، چه کشورهای عربی، چه کشورهای اسلامی و چه کشورهای اروپایی یا غربی، حتی همین روسیه و چین که اکنون در حد موضع‌گیری‌های نه‌چندان محکم و قاطع دیپلماتیک ثابت کردند که در عمل و برخلاف آنچه روابط راهبردی تهران با پکن و مسکو نامیده شد، اکنون هیچ اقدامی در این مسیر برای توقف جنایات صهیونیست‌ها انجام ندادند، اما باز هم باید از ظرفیت روابط با روسیه و چین استفاده کرد. ما در وضعیتی قرار نداریم که به دنبال گلچین‌کردن روابط دیپلماتیک با کشورها باشیم.

پارامتر زمان را چگونه می‌بینید؟

اتفاقا این سؤال شما، تأکیدات قبلی من را تصدیق می‌کند. ما از نظر زمانی با دو مقوله بسیار مهم مواجهیم؛ اولا از این نظر که دونالد ترامپ دو هفته زمان برای تصمیم‌گیری درباره ورود به جنگ جاری تعیین کرده است. پس زمان ما بسیار کوتاه است و ما یک بازه زمانی بی‌نهایت برای مذاکره و دیپلماسی مواجه نیستیم. از طرف دیگر، حتی اگر یک دقیقه زودتر به این جنگ تحمیلی رژیم صهیونیستی و رنج و درد مردم کشورمان پایان دهیم، باید این کار را بکنیم. اگر از آن ضرب‌الاجل دوماهه ترامپ به هر دلیلی استفاده نکردیم یا دراین‌بین رژیم صهیونیستی سعی کرد مذاکرات تهران-واشنگتن را به شکست بکشاند، اکنون باید دیگر از آن تجربه درس بگیریم.

پس شما معتقدید که این ضرب‌الاجل دوهفته‌ای ترامپ هم می‌تواند واقعیت داشته باشد؟

حتی به فرض آنکه واقعیت هم نداشته باشد، ما باید به دنبال پایان‌دادن به این جنگ تحمیلی و تجاوز رژیم صهیونیستی باشیم، بنابراین ما در عین حالی که باید برای هر سناریوی محتمل، حتی با درصد پایین باید آماده باشیم، از طرف دیگر همه ظرفیت و توان دیپلماتیک را به کار بگیریم. حتی از سفرا و دیپلمات‌های بازنشسته که دارای ظرفیت بسیار بالایی هستند، می‌توان در این شرایط استفاده کرد. به هر حال تک‌تک این سفرا با سال‌ها تجربه در محل مأموریت خود، ظرفیت بالقوه‌ای دارند که در این شرایط می‌توان به بهترین نحو ممکن از آن استفاده کرد.

تحلیل شما به گونه‌ای است که گویا گفت‌وگو با اروپایی‌ها تنها فرصت ایران است.

خیر، همان‌طور که گفتم، جمهوری اسلامی ایران باید از ظرفیت کشورهای عربی، کشورهای اسلامی و هر کشور دیگری، حتی روسیه و چین هم استفاده کند. درست است که ما قربانی زیاده‌خواهی‌های پوتین در جنگ اوکراین شدیم و به همین واسطه روابط ما با اروپا به هم خورد و اروپا هم نقش مخرب خود را در صدور قطع‌نامه در کنار آژانس داشت که بهانه برای تجاوز و جنگ تحمیلی رژیم صهیونیستی را فراهم کرد، اما حتی با روسیه و چین هم باید روابط را تقویت کرد و از آن به‌عنوان یک فرصت برای پایان‌دادن به این جنگ و تجاوز استفاده کرد؛ کمااینکه روابط با اروپا هم می‌تواند یک فرصت باشد. من گفتم و دوباره تأکید می‌کنم و شما هم پرسیدید که ما یک ظرفیت زمانی بسیار کوتاه داریم. پس باید از همه پتانسیل‌های موجود استفاده کنیم. ما نباید اجازه بدهیم که این جنگ تحمیلی رژیم صهیونیستی به یک جنگ فرسایشی تبدیل شود. اتفاقا یکی از ظرفیت‌های دیگری که باید از آن بهره‌برداری کرد، این است که ما باید صدای خود را به گوش جهانیان برسانیم؛ اینکه با یک صداوسیمای فارسی‌زبان داخلی بخواهیم برای مردم ایران برنامه و گزارش خبری تهیه کنیم، فایده ندارد. اکنون غربی‌ها پشت تجاوز رژیم صهیونیستی هستند. شورای حکام و شورای امنیت هم محکومیت دراین‌باره نداشتند، چون اکنون رسانه‌ها دارند گفته‌های صهیونیست‌ها را ترویج می‌دهند. ما باید صدای خود را از تریبون‌های جهانی پخش کنیم.

و این کار چگونه ممکن است؟

باید از این رسانه‌ها برای بازدید از محل‌های آسیب‌دیده به واسطه حملات و تجاوزات رژیم صهیونیستی دعوت کنیم.

تبعات امنیتی آن را چگونه می‌توان مدیریت کرد؟

دستگاه‌های امنیتی می‌توانند درعین‌حال با اشراف طلاعاتی از رسانه‌های معتبر دنیا دعوت کنند و هم‌زمان می‌توانند مانع نفوذ یا سوءاستفاده رسانه‌ها یا انتقال اطلاعات به صهیونیست‌ها شوند. این کار چندان سختی برای دستگاه امنیتی کشور نیست. ما باید به دنیا نشان دهیم که برخلاف ادعای دروغین رژیم صهیونیستی که فقط به دنبال حمله و تجاوز به مراکز هسته‌ای و نظامی در ایران هستند، صهیونیست‌ها چه جنایت‌هایی را در مناطق غیرنظامی انجام داده و هرروزه چه تعداد از شهروندان غیرنظامی کشورمان به دست صهیونیست‌ها به شهادت می‌رسند. این خودش می‌تواند یک فرصت باشد. فرصت‌های کشور کم نیست. جهان باید صدای ایران را بشنود.